

بررسی دستکاری‌های کاتب نسخه‌ قاهره، مورخ ۷۴۱ق، در متن شاهنامه  
(مطالعه‌ای موردی در کوشش کاتبی صوفی در نزدیک کردن  
متن شاهنامه به اعتقاداتش)

علی شاپوران\*

تقدیم به دکتر جلال خالقی مطلق، به پاس  
دری که به دنیای نسخه‌های شاهنامه گشود.

### چکیده

در این نوشته - که مطالعه‌ای است در زمینه تاریخیچه تطوّر متون در نسخه‌ها - ابتدا بر اساس منابع تاریخی و دست‌نوشته دیگری از کاتب شاهنامه، مورخ ۷۴۱ق (نسخه ش ۶۰۰۶ دار الکتب قاهره)، معلوم می‌شود که این کاتب نوه شمس‌الدین کیشی و از خاندانی صوفی و اهل علم است. سپس با مقایسه متن نسخه با دو نسخه دیگر و بررسی آماری یافته‌ها، معلوم می‌شود که کاتب نسخه قاهره تمایل دارد متن نسخه را دستکاری کند تا به باورهای دینی خود نزدیک‌ترش گرداند؛ و مخصوصاً آیاتی را که «غیراسلامی» تشخیص می‌دهد حذف می‌کند. در آخر استدلال شده است که کوشش در نزدیک کردن شاهنامه و اسلام در بین اهل تصوف رویکردی سابقه‌دار است و کار این کاتب را شاید بتوان در بافتار همان کوشش‌ها تحلیل کرد.

این مطالعه می‌تواند نمونه‌ای ابتدایی برای مطالعات مشابهی باشد که نشان می‌دهند متن حماسه ملی ایران در طول تاریخ کتابت، قرائت و انتقال آن به نسل‌های بعد چگونه فهم می‌شده و مخاطبان سده‌های میانه از آن چه انتظاری داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، تبارشناسی، نسخه‌شناسی، نسخه قاهره، کاتب، صوفیان

---

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۲  
\* پژوهشگر ادبیات / shapouran.ali@gmail.com

## سرآغاز

نسخه‌های کهن پیوسته و در هر رونویسی تغییری کرده‌اند. پس، می‌توان گفت که این نسخه‌ها تاریخچه‌ای دارند. در پژوهش‌های فارسی و از آن جمله پژوهش‌های شاهنامه، این تاریخچه تا کنون به‌طور جدی بررسی نشده‌است. به‌خصوص، ترکیب یافته‌های متن پژوهان ایرانی و مورخان هنر غربی اغلب مغفول مانده‌است.

نسخ مصور شاهنامه در بررسی تاریخ نگارگری ایرانی (و شاید تاریخ نگارگری اسلامی) مهم‌ترین نسخ هستند. نگاره‌های نسخه‌ها، و در نتیجه، نسخه‌های نگاره‌دار، در مطالعات جامع و متعددی - البته از دیدگاه هنری - بررسی شده‌اند. برخی محققان کوشیده‌اند از خلال نگاره‌های شاهنامه اطلاعاتی درباره‌ی تعامل بین حماسه و محیط فرهنگی حامیان و مالکان نسخه‌ها به‌دست آورند (مثلاً، نک. Simpson, 1979: 316-323; idem, 1982: 48-50). مورخان هنر طبیعتاً بر اختصاصات متنی نسخه‌ها و البته بر نسخه‌های بدون نگاره تمرکز نکرده‌اند. از طرف دیگر مصححان و متن‌پژوهان برای بازسازی متن اصلی سروده‌ی فردوسی کوشش‌های چشمگیری کرده‌اند، ولی تقریباً توجهی به اهمیت شواهد هنری در نسخه‌ها نکرده و در مواردی آن را به‌طعنه رد کرده‌اند (مثلاً، نک. خالقی مطلق، ۱۳۶۴: ۳۸۹). برای درک شیوه‌ی قرائت و فهم پیشینیان ما از متن و علل دست بردن ایشان در متن، هنوز سؤالات بسیاری مانده‌است که باید درباره‌ی نسخه‌ها و از نسخه‌ها پرسید. یافتن پاسخ‌های دقیق یا تقریبی در گروه مطالعاتی نو در بررسی هویت کاتبان، دیگر نسخه‌هایی که کتابت کرده‌اند، و دیدگاهشان درباره‌ی بلاغت و بوطیقای شاهنامه و معنای آن است، که حوزه‌ای پربار و تقریباً دست‌نخورده در مطالعات شاهنامه است.<sup>۱</sup>

تأثیر ضبط‌های متفاوت متن بر ذهن مخاطبان، و به‌خصوص ردپای اندیشه‌ی نخستین مخاطب هر نسخه - که کاتب همان نسخه باشد - بر متن، موضوعی روشن است (مثلاً، نک. Fairclough, 2003: 21-26) که در بافت‌های گوناگون بررسی شده‌است

۱. برای کوشش‌هایی مقدماتی در شناخت برخی کاتبان و نوشته‌های دیگر ایشان و ارتباط نسخه‌ها با یکدیگر، نک. شاپوران، ۱۳۹۶ الف و ۱۳۹۶ ب.

(مثلاً، نک. Bucholtz, 2000; Herrag, 2012). دو پژوهشگر ایرانی نیز به سراغ این حیطه پژوهشی رفته‌اند: شفیع کدکنی نسخه‌بدل‌های دیوان شیخ احمد جام و مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری را «نمایشگاه تحولات ایدئولوژیک جامعه ما» خوانده (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۹۳) و نشان داده‌است که کاتبان شیعه چگونه در ستایش خلفای چهارگانه در دیوان عطار دست برده‌اند (همان: ۹۸-۱۰۳). خالقی مطلق نیز درباره چهار بیت از دیباج شاهنامه که الحاقی شمرده‌است و ابیات دیگری که کاتبان شیعه و سنی ذیل آن‌ها در بعضی نسخ افزوده‌اند بحث کرده‌است (خالقی مطلق، ۱۳۶۳: ۲۸-۳۲؛ همو، ۱۳۷۱: ۳۵۴-۳۵۷). در تمامی این موارد، به تأثیرات جدال شیعه و سنی بر محتوای مربوط به خلفای پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> پرداخته شده‌است. آیا باورهای کاتبان تنها در محتوای مربوط به اختلافات مذاهب اثر می‌گذاشته‌است؟ پاسخ منطقی منفی است؛ پس باید بشود این تأثیرات را - هر چند در مسائلی جز اختلافات مذهبی مخفی‌تر و دیرپاب‌تر باشد - در نسخه‌ها، و از آن جمله در نسخه‌های شاهنامه پیدا کرد.

#### یک شاخه از تبارشناختی دست‌نوشته‌های شاهنامه

نسخه Add. 21103 کتابخانه بریتانیا (مورخ ۶۷۵ق)<sup>۲</sup> و نسخه ۶۰۰۶ دارالکتب قاهره (مورخ ۷۴۱ق) - که عموماً در پژوهش‌های شاهنامه به نسخه‌های «لندن» و «قاهره» معروفند - نخستین و چهارمین نسخه‌های تاریخ‌دار و کامل شاهنامه‌اند. این نسخ نگاره ندارند و در نتیجه هر قدر در متن‌شناسی فارسی‌زبانان مورد توجه بوده‌اند، در نوشته‌های نسخه‌شناسان

۲. در تاریخ این نسخه تشکیک کرده‌اند. به نظرامیدسالار، شاید صفحات نونویس را از نسخه‌ای مورخ ۶۷۵ق نوشته و به آن افزوده‌باشند، ولی این تشکیک وجهی ندارد. در همان صفحات نونویس معلوم است که کاتب ابیات را از نسخه‌ای نوشته که بخش‌هایی از آن از بین رفته‌بوده‌است، چراکه به دفعات دیده می‌شود که در یک بیت مصرعی بازنوشته و کاملاً متفاوت است و مصرع دیگر عیناً منطبق بر ضبط نسخه فری‌بر است و از شاخه تبارشناختی نسخ لندن - فری‌بر - قاهره خارج نمی‌شود. نگارنده، در بررسی دیگری درباره این شاخه تبارشناختی، به این نکته بیشتر خواهد پرداخت.

غربی، جز اشاراتی مختصر مثلاً به تاریخ نگارش‌شان (مثلاً نک. Wright, 2017: 82)، ذکری از آنها نرفته است. شباهت فراوان متن این دو نسخه پدیده‌ای است که متن‌شناسان پیش‌تر به آن توجه نموده، و درباره‌اش مکرراً بحث کرده‌اند (از آن میان، نک. خالقی مطلق، ۱۳۶۹: ۴۴؛ خطیبی، ۱۳۸۵ الف: ۱۳۵). در مقابل، نسخه ناقص معروف به شاهنامه کوچک فری‌یر - که بخش اعظم بازمانده از آن در نگارخانه فری‌یر محفوظ است و انتساب آن را به بغداد حدود سال ۷۰۰ ق (Simpson, 1979: 272-305) غالباً پذیرفته‌اند - در تحقیقات تاریخ نگارگری ایرانی، نسخه‌ای بسیار معروف است، ولی تا جایی که نگارنده می‌داند در متن‌شناسی شاهنامه مطلقاً اثری از این نسخه نیست. نخستین معرفی و ارزیابی مختصر این نسخه به فارسی نیز صورت گرفته است (نک. شاپوران، ۱۳۹۹: ۹۱-۹۲). به‌رغم تفاوت‌هایی که ممکن است در نگاه اول دیده شود (Simpson, 1979: 67, 125) متن این نسخه چنان شباهتی به دو نسخه لندن و قاهره دارد که شاید حتی بازسازی مادر نسخه مشترک این سه نسخه را ممکن کند. بدون نسخه فری‌یر، در بررسی تفاوت‌های دو نسخه لندن و قاهره، نمی‌توان با اطمینان گفت کدام ضبط از مادر نسخه رسیده و کدام حاصل تصرف کاتب است. خوشبختانه داشتن سه نسخه کهن هم‌خانواده باعث می‌شود که در تفاوت بین دو نسخه، نسخه سوم نقش شاهد را بازی کند و بررسی دستکاری‌های کاتبان مبنای علمی‌تری پیدا کند. این درباره دو نسخه لندن و قاهره اهمیت بیشتری دارد، زیرا کاتبان این نسخه‌ها رویکرد متفاوتی به متن داشته‌اند.

**تفاوت در رویکرد به لغات عربی:** نگارنده برای بررسی متن نسخه فری‌یر، متن تمام صفحات منطبق بر جلد نخست و پنجم تصحیح خالقی مطلق را که از این نسخه در دست داشت نوشت و با دو نسخه لندن و قاهره مقایسه کرد. این قیاس معلوم کرد که کاتبان دو نسخه اخیرالذکر در مواجهه با لغات عربی رویکرد متضادی داشته‌اند که حاصل کتابت

---

۳. بررسی این نظر موضوع این نوشته نیست. صرفاً اشاره می‌کنیم که نظرهای دیگری - که با اختصاصات متنی نسخه سازگارتر است - نیز طرح شده است. نگارنده امیدوار است با دسترسی به تمام صفحات موجود از این نسخه، در آینده بتواند در این باره نتیجه‌ای قطعی عرضه کند.

ایشان را از یکدیگر و از نسخه فری‌پر دور می‌کند. کوشش کاتب لندن را در «عربی‌زدایی» از متن شاهنامه پیش‌تر دریافته‌اند (خالقی مطلق، ۱۳۹۰: ۲۳۷). در بررسی حاضر هم دست‌کم دو شاهد بر چنین کوششی دیده می‌شود: تبدیل «صعب» به «زشت» (۱/۱۷۶/الحاقی ۲)<sup>۴</sup> و تبدیل «نبیل» به «بنفش» (همان: ۵/۱۲۵/۵۲۴).<sup>۵</sup> جز این موارد، کاتب یک بار لغت «ویله» را به «نعره» تبدیل کرده‌است (همان: ۵/۲۳۹/۲۲۸) که شاید بتوان آن را نیز در این راستا ارزیابی کرد.<sup>۶</sup> در محدوده این مطالعه، تبدیل لغت فارسی به عربی شاهی در نسخه لندن ندارد.

از سوی دیگر کاتب قاهره چاشنی عربی بیشتری به متن دست‌پخت خود افزوده‌است. دست‌کم یازده بار چنین تغییری در محدوده این بررسی دیده می‌شود (۱/۲۴۴/۱۱۷۶، ۱/۲۴۶/۱۲۰۷، ۱/۲۵۶/۱۳۳۰، ۱/۲۷۹/الحاقی ۱۱۹ و الحاقی ۱۲۰، ۱/۳۱۲/۴۰۷، ۵/۴۳/۵۶۰، ۵/۴۵/۵۸۵، ۵/۱۹۴/۱۲۴۹، ۵/۲۴۲/۲۶۵، ۵/۲۵۴/۴۰۸). جز این‌ها، در یک مورد واژه عربی «هول» به «صعب» بدل شده که طینی عربی‌تر دارد (۱/۱۳۹/۸۰۷)<sup>۹</sup> و در مواردی (مثلاً: ۵/۲۲۷/۸۷) به نظر می‌رسد که انگیزه افزودن واژه عربی نه بلاغی، بلکه

---

۴. جای بیت‌ها در شاهنامه به ترتیب با جلد، شماره صفحه و شماره بیت در ویرایش نخست تصحیح خالقی مطلق (۱۳۸۶) مشخص خواهد شد. هر جا به ضبطی استناد شود که در زیرنویس‌های این تصحیح نیامده است، شماره برگه از نسخه که حاوی آن بیت است به دست داده خواهد شد.

۵. در این بیت، واژه «نبیل» در قافیه آمده‌است و تبدیل آن به «بنفش» کاتب را ناچار کرده کلّ مصرع دوم را بازسازی کند.

۶. مواردی هست که چنین تغییری در هر دو نسخه لندن و فری‌پر دیده می‌شود و این گمان را طرح می‌کند که رویکرد مشابهی در مادر نسخه این دست‌نوشته‌ها نیز به چشم می‌خورد (۱/۱۷۲/۱۳۶، ۵/۵۵۷/۳۵۰؛ به ترتیب قس. نسخه فری‌پر، برگ‌های ۱۹۲۹/۳۱ و ۱۹۳۰/۷).

۷. خالقی مطلق به این ضبط اشاره نکرده‌است (نک. قاهره: گ ۴۱پ).

۸. خالقی مطلق به این ضبط اشاره نکرده‌است (نک. همان: گ ۱۹۴پ).

۹. اگرچه «صعب» در فارسی قرن چهارم و پنجم کمیاب نیست، فردوسی تقریباً همیشه به جای آن «سخت» به کار می‌برد.

ایدئولوژیک باشد: «به یزدان نمود او ز بیچارگی» به «به یزدان نمود عجز و بیچارگی» تغییر یافته است که تفاوت مفهومش آشکار است. کاتب در اعمال این تغییر، ممنوعیت حذف حرف عین در قرائت شعر را - که اهل ادب نوعاً از آن آگاهند<sup>۱۰</sup> و احتمالاً خود او هم می دانسته - زیر پا نهاده است. این باعث می شود بپرسیم که «آیا ممکن است مضامین ایدئولوژیک برای این کاتب از چنان اهمیتی برخوردار باشد که او را وابدارد قواعد ادبی را زیر پا بگذارد؟».

گفتنی است که این کاتب یک بار هم برعکس عمل کرده و لغت عربی «صف» را دو بار در یک صفحه به لغت فارسی «رده» تغییر داده است. جالب است که جز این صفحه و این دو مورد، واژه «صف» در حدود بیست بار دیگر در متن مورد بررسی این پژوهش آمده و کاتب قاهره آن را بدون تغییر حفظ کرده است. درباره این مشکل - که از آن به «عدم تداوم» تعبیر کرده ایم - در ادامه بحث خواهیم کرد.

یک راه برای این که بدانیم آیا تفاوت های نسخ لندن و قاهره ممکن است ناشی از تفاوت ایدئولوژی کاتبان باشد یا نه، شناخت بیشتر کاتبان است.

## کاتبان

هویت کاتب لندن ناشناخته است، اما اطلاعاتی جنبی دیگری در دست داریم: اشترن شوس<sup>۱۱</sup>، مبلغ مذهبی آلمانی<sup>۱۲</sup>، نوشته که این نسخه را در شیراز و از فردی «پارسی» (احتمالاً زردشتی ایرانی) خریده که آن را از یزد برایش آورده بوده است (امیدسالار، ۱۳۸۴: ۸). البته یادداشت های مالکان پیشین نسخه بر صفحات آغازین آن معلوم می کند که همیشه در اختیار زردشتیان نبوده است (همان: ۱۲-۱۴). راهی برای شناختن دین یا مذهب کاتب پیدا

۱۰. برای اشاره ای متأخر به این نکته، نک. محجوب، ۱۳۵۶ [۲۵۳۶]: چهل و پنج.

۱۱. Sternschuss.

۱۲. فرانکلین لوئیس حدس زده است که این فرد اهل سوئیس بوده باشد (امیدسالار، ۱۳۸۴: ۸)، ولی

احتمالاً نظر فان گوردن (van Gorder, 2010: 154) که در متن آمد صحیح تر است.

نیست، ولی هرچه بوده، او احساسات مهرآمیزی به ایران داشته، از اعراب و واژه‌های عربی بیزار بوده و تمایلی به باستان‌گرایی لغوی داشته است. حتی دو قطعه شعر «عرب‌ستیزانه» در این نسخه هست که در هیچ‌یک از نسخ مصحح خالقی مطلق نیامده است (نک. خطیبی، ۱۳۸۵ب: ۱۰۳، ۱۰۶). چه این دو قطعه را کاتب خود سروده باشد<sup>۱۳</sup> و چه از نسخه دیگری به نسخه خود افزوده باشد، صرف حضور آن دو قطعه اختصاصاً در این نسخه، نشان‌دهنده موضع کاتب است.

خوشبختانه درباره کاتب نسخه قاهره اطلاعات بیشتری داریم. این نسخه برای ارغون الشَّمسی الکریمی الکاژرونی نوشته شده که حدس زده‌اند به فرقه صوفی کازرونیّه مرتبط بوده است (Blair, 2006: 171). به نام کاتب، محمد بن محمد بن محمد کیشی، پیش‌تر بارها اشاره شده است (مثلاً، نک. ibid؛ خالقی مطلق، ۱۳۶۴: ۳۸۵)، ولی تا جایی که نگارنده می‌داند، هیچ کس جز نامی از وی نبرده است. این کاتب که از اخلاف خاندان مشهوری از اهل فقه و تصوف بوده، در واقع نوه شمس‌الدین محمد قرشی کیشی، فقیه بزرگ قرن هفتم هجری (۶۱۵-۶۹۵ق) است<sup>۱۴</sup> که در شعر، تصوف و فلسفه نیز نام‌بردار بوده است. ابن‌فوطی این شمس‌الدین کیشی را صاحب دو پسر دانسته است، محمد و احمد (جوکار، ۱۳۹۰: ۲۶).<sup>۱۵</sup> به‌گفته او، محمد در سال ۷۰۵ق زنده (همان‌جا)، و با

۱۳. این کاتب، برخلاف اغلب همکارانش، توانایی سرودن ابیاتی شبیه شعر فردوسی از خود بروز می‌دهد (نک. خطیبی، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۵). البته برخی از مثال‌هایی که خطیبی نقل کرده، سروده خود این کاتب نیست، چراکه در نسخه فری‌یر هم آمده است (و البته اگرچه خطیبی نسخه فری‌یر را در اختیار نداشته، خود به این احتمال اشاره کرده است؛ نک. همان‌جا)، ولی اصل سخن درست به نظر می‌رسد، زیرا بیشتر نمونه‌ها اختصاص به نسخه لندن دارد.

۱۴. برای شناخت جایگاه او کافی است بدانیم خواجه نصیرالدین طوسی خود را «محب صادق، بل مرید و عاشق» او خوانده (قزوینی و اقبال، ۱۳۲۴: ۶۸) و وزیر بزرگ دیگر دوره ایلخانی، خواجه شمس‌الدین محمد جوینی صاحب‌دیوان، نیز به او علاقه داشته (نقیسی، ۱۳۱۳: ۲۵۰) و علامه حلی، قطب‌الدین شیرازی و هندوشاه نخجوانی، تعدادی از شاگردان او بوده‌اند (قزوینی و اقبال، ۱۳۲۴: ۶۰-۶۲).

۱۵. نگارنده لازم می‌بیند از خانم عاطفه طیّه تشکر کند که او را از اشاره به نام این دو پسر در مقدمه مجموعه آثار شمس‌الدین کیشی - که به آن دسترس نداشت - آگاه کردند.

«ربع رشیدی»، و دستگاه خواجه رشیدالدین فضل‌الله مرتبط بوده است (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۲۸؛ قس. افشار، ۱۳۸۲: ۴۸). دست‌خط او نشان می‌دهد که وی شاعری بوده با تمایلات صوفیانه (دماوندی و خوشدل، ۱۳۹۶: ۲۸۶، ۲۹۴). لقب «قرشی» در منبع اخیر ما را مطمئن می‌کند که محمد بن محمد کیشی — پدر کاتب نسخه قاهره — فرزند شمس‌الدین محمد است، و آنچه ما را مطمئن‌تر می‌کند که این شباهت اسامی تصادفی نیست نسخه‌ای از روضة الناظر و نزهة الخاطر (به شماره F 766) در کتابخانه دانشگاه استانبول است، که در حاشیه برگی از آن، کاتب صراحتاً شمس‌الدین کیشی را جد خود خوانده است (گ. ۷۵).<sup>۱۶</sup> مقایسه خط این نسخه با نسخه قاهره نشان می‌دهد که هر دو به قلم یک کاتب است.<sup>۱۷</sup>

در نسخه روضة الناظر (F 766) ستایش خلفای سه‌گانه، چه به نظم و چه به نثر، به چشم نمی‌خورد؛ برعکس، ابیات فراوانی به فارسی و عربی در مدح علی بن ابی‌طالب در آن هست. این ممکن است نشان دهد که کاتب آن، که همان کاتب نسخه قاهره شاهنامه است، احتمالاً ارتباطاتی با شیعیان و تمایلی به تشیع داشته است. این حدس را نکته‌ای در شاهنامه تقویت می‌کند. چنان‌که خالقی مطلق پیش‌تر اشاره کرده است (خالقی مطلق، ۱۳۶۳: ۳۱)، این نسخه یکی از دو دست‌نویس تصحیح اوست که چهار بیت مدح خلفای سنیان را در بر ندارد.<sup>۱۸</sup> این چهار بیت احتمالاً الحاقی است، ولی تقریباً در تمام نسخ دیده می‌شود

۱۶. بدین عبارت: «لجدّ الکاتب و هو مولانا المرحوم شمس‌الدین محمد کیشی غفر الله له».

۱۷. گفته‌اند محتوای نسخه F 766 با نسخه دیگری که در تبریز محفوظ است عیناً یکسان است (نوریان، شریفی و رشیدی، ۱۳۸۶: ۵۷). این پژوهشگران از این هم‌سانی چنین حدس زده‌اند که نسخه تبریز را از روی نسخه استانبول نوشته‌اند و نسخه استانبول دست‌نوشته مؤلف روضة الناظر... است (همان‌جا). اشاره کاتب نسخه استانبول به هویت جدش نشان می‌دهد که نتیجه‌گیری اخیر واضحاً نادرست است. به‌علاوه، دست‌خطی که از عزالدین عبدالعزیز کاشی در نسخه ۱۵۵۶ کتابخانه ملی (گ. ۷۱، ص ۱۴۱) باقی مانده با نسخه F 766 کاملاً متفاوت است (برای تصویر این دست‌خط، نک. عمادی حائری، ۱۳۸۴: ۳۸۱).

۱۸. خالقی مطلق از این نکته الحاقی بودن این ابیات را نتیجه می‌گیرد که احتمالاً یافته‌های این مقال نشان ←



(نک. همان‌جا)؛ از جمله در نسخ لندن و فری‌یر. آیا کاتب شخصاً و بر مبنای اعتقادات خود دست به حذف آن‌ها زده‌است؟ و آیا چنین کاری را در جاهای دیگر شاهنامه هم انجام داده‌است؟ شواهدی در تأیید چنین باوری در این نسخه هست. برخی از ابیاتی که کاتب قاهره حذف کرده یا تغییر داده ممکن است با دیدی شگاکانه در تضاد با باورهای اسلامی تعبیر شود؛ به‌خصوص، ابیاتی که متضمن ستایش جنبه‌های معنوی شخصیت‌های شاهنامه و بیان رستگاری ایشان است، به‌کرات از متن این نسخه حذف می‌شود، با این‌که آن شخصیت‌ها علی‌القاعده کافر شمرده می‌شده‌اند.

برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های بالا، باید پدیده آشکاری را در نسخه‌های ادبی فارسی، از جمله، نسخه قاهره، در نظر گرفت: پدیده مشکل عدم تداوم. نمونه پیش‌گفته درباره‌ی واژه عربی «صف» نشان می‌دهد که کاتب قاهره ممکن است در حین کتابت و در یک لحظه تصمیم بگیرد که با متن پیش روی خود چه کند؛ منشأ این تصمیم احتمالاً تأثرات لحظه‌ای او (بنا به ملاحظات بلاغی یا اعتقادی) و نه الگویی نظام‌مند یا برنامه‌ای از پیش تعیین شده است. در واقع برای این احتمال، شواهدی بسیار بیشتر از نوع واکنش کاتب در قبال لغات عربی در دست داریم. مثلاً، در مصرع «پرسیدشان شاه و بنواختشان» (۲۴۳/۱۰۵/۱)، کاتب نخست مصرع را به «پرسید زود» تغییر می‌هد، ولی از بازسازی وزن شعر ناتوان می‌ماند.<sup>۱۹</sup> پس از نوشتن بیتی احتمالاً الحاقی (۱۹۰/۱۰۱/۱) متوجه می‌شود که این داستانک به طرح داستان اصلی آسیب می‌زند، لذا بیت بعدی را - که با بیتی که نوشته، موقوف‌المعانی هم هست - حذف می‌کند و پیش می‌رود.<sup>۲۰</sup> هفت بیت بعد از نوشتن بیتی در وصف تور (۲۵۳/۱۰۵/۱)، وقتی به وصف ایرج می‌رسد، بیتی را که در نسخ

→

بدهد چه آن ابیات الحاقی باشد و چه نباشد، نبودشان در نسخه قاهره را نمی‌توان مدرک معتبری بر نبودشان در اساس کاتب آن گرفت.

۱۹. خالقی مطلق به این اختلاف اشاره نکرده‌است (نک. قاهره: گ ۱۷).

۲۰. خالقی مطلق به بیت محذوف اشاره کرده، ولی از وجود بیت پیش از آن (شگفتی فروماند سرو یمن/ همیدون دلیران آن انجمن) در نسخ لندن و قاهره خبر نداده‌است (نک. لندن: گ ۱۳؛ قاهره: گ ۱۶).

خویشاوندش هست و شباهت بسیار به بیت پیشین دارد (۲۶۰/۱۰۶/۱) می‌اندازد، چون احتمالاً آن را تکرار بیت پیشین می‌شمارد. این ابیات در دو نسخه دیگر این بررسی، شبیه به هم و بدون تغییر آمده‌است. در مواردی نیز به ترکیب بیت دست می‌زند تا ایراداتش را «تصحیح» کند؛ مثلاً مصرع «بگفت آنچه‌ش (آنچه‌ش) اندر دل اندیشه بود» (۲۹۳/۱۰۸/۱) در مادر نسخه مشترک این سه نسخه، بدون ضمیر پیوسته (بگفت آنچه اندر دل اندیشه بود) بوده‌است. دو نسخه دیگر همین ضبط را نگه داشته‌اند، ولی کاتب قاهره کوشیده کمبود ضمیر را جبران کند و مصرع را به شکل «بگفت آنچه ویرا در اندیشه بود» بازسازی کرده‌است.<sup>۲۱</sup> یک بار هم در نوشتن «همه چیزگی با منوچهر بود» (۱۴۹/۱۴۱/۱) «چیزگی» را - که احتمالاً کم‌نقطه نوشته شده بوده - «چتر کی» خوانده و برای این‌که ایراد مشبع خواننده شدن «کی/که» برطرف شود، آن را به «کان» بدل کرده و ناچار کلمه ابتدای مصرع را هم تغییر داده‌است: «همان چتر<sup>۲۲</sup> کان با منوچهر بود».

ضمناً کاتب قاهره الزاماً در موقعیت‌های یکسان رویکرد یکسانی ندارد؛ مثلاً، «پارس» را یک بار به «فارس» تبدیل می‌کند (۳۱۲/۳۰۶/۱) ولی یک بار قبل و دو بار بعد از این بیت، همان «پارس» را نگاه می‌دارد. این ناهم‌سانی نه فقط در لغات، بلکه در محتوا هم به چشم می‌خورد؛ مثلاً مضمونی را که یک بار حذف کرده (۱۱۵۱/۲۴۲/۱) در جای دیگر متن نگاه می‌دارد (۳۱۵/۳۰۶/۱). از تجزیه و تحلیل دقیق این رفتار کاتب برمی‌آید که او در حین کتابت که می‌خواهد تصمیم بگیرد بیتی یا لغتی را حفظ یا حذف کند یا تغییر دهد، نکات متعدّد ادبی و فکری‌ای را در نظر می‌گیرد، ولی به ترتیبی ذوقی و نه نظام‌مند. ضمناً عوامل متعدّدی هم بر ملاحظات او مؤثر است که در حیطه اختیارش نیست، از قبیل خطاهای احتمالی در قرائت و معنی کردن ابیات، اهمیت بیت و مصرع در طرح داستان، اوضاع روحی و خلقی خودش در هنگام کتابت و غیره.

این ابیات گاهی درون‌مایه‌هایی اعتقادی دارد که ممکن است تعبیری ناسازگار با

۲۱. خالقی مطلق «ویرا در» را «و برادر» خوانده‌است (نک. قاهره: گ ۱۷ پ).

۲۲. خالقی مطلق «چتر» را «چیز» خوانده‌است (نک. همان: گ ۲۲ ر).

باورهای اسلامی داشته باشد. مثلاً تغییر مصرع «تو باشی به هر نیک و بد رهنمای» در خطاب به خدا، به «تو باشی به هر نیکی رهنمای» (۹۱/۲۲۷/۵) احتمالاً از این جنس است و در دو نسخه لندن و فری‌یر دیده نمی‌شود، ولی همین مفهوم در جای دیگری حفظ شده است: «بد و نیک هر دو ز یزدان شناس» (۳۴۹/۵۵۷/۵). این پدیده تنها در لغات و عبارات دیده نمی‌شود. نسخه قاهره به فراوانی ابیات افتاده شناخته شده است (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۲۴۸؛ قس. مهران، ۱۳۸۷: ۵۲۹). این ابیات گاهی مضامین اعتقادی دارد و گاهی ندارد، و از طرف دیگر مضامین اعتقادی نیز گاهی حذف می‌شود و گاهی حذف نمی‌شود. این باعث می‌شود که تحلیل شیوه متغیّر رفتاری کاتب قاهره به کمک روش‌های سنتی ناممکن یا دست‌کم خالی از دقت از آب درآید. در چنین موقعیت‌های، ناهم‌سانی که تحت تأثیر متغیّرهای گوناگون رخ می‌دهد، توصیف کیفی یافته‌ها ممکن است به‌سادگی از جهت‌گیری‌های ذوقی و علائق و مواضع مشاهده‌گر تأثیر پذیرد و به انحراف کشیده‌شود (Williams & May, 1998: 2-11).

### روش، متغیّر‌ها، فرضیّات

برای اجتناب از «تله سوگیری» به هنگام بررسی هم‌سویی و ارتباط متغیّر‌ها، تحلیل آماری را بهترین روش دانسته‌اند، به‌ویژه در بررسی نمونه‌های نسبتاً بزرگ (ibid). چنان‌که پیش‌تر گفته‌آمد، نگارنده تمام صفحات نسخه فری‌یر در محدوده جلد نخست و پنجم تصحیح خالقی مطلق را که به آن دسترس داشت با صفحات متناظر آن در دو نسخه لندن و قاهره مقابله کرد. این بخش متن به ۲۰۹۲ بیت (۱۴۸۳+۶۰۹، به ترتیب در جلد نخست و پنجم) از نسخه فری‌یر، ۱۹۴۶ بیت (۱۳۴۰+۶۰۶) از نسخه لندن و ۱۹۱۶ بیت (۱۳۳۸+۵۷۸) از نسخه قاهره بالغ شد. تمام تفاوت‌های سه نسخه یادداشت شد. نسخه لندن – که کهن‌ترین آنها است – اساس مقابله بود، جز در دو برگ نونویس اول آن که نسخه فری‌یر اساس قرار گرفت.

به‌علت تنوع نسخه‌بدل‌ها و بازه بزرگ مطالعه، باید متغیّر‌هایی برای مقایسه انتخاب

می‌شد که کمترین امکان تفسیر و نوسان را در حین مطالعه و ثبت داشته‌باشد. مثلاً اگر تمام «تغییرات/ نسخه‌بدل‌ها» را مبنا قرار می‌دادیم، در شمارش ممکن بود خطا در یک نقطه‌گذاری (مثلاً تبدیل «خست» به «جست») و تغییر یک کنایه به کنایه‌ای دیگر، همچون دستکاری یک واژه، یک تغییر شمرده شود و واجد ارزشی یکسان قلمداد شود. شمارش لغات یا تکواژها ممکن بود دقت را حتی کمتر کند، چراکه در بسیاری موارد، کوششی که باید صرف تغییر دو حرف اضافه یک‌هجایی در میانه مصرع شود به مراتب کمتر از زحمتی است که تغییر لغتی ساده (یعنی، دارای تکواژی آزاد) ولی دارای قافیه‌ای دشوار (مثلاً «طوس») در موضع قافیه، می‌طلبد. محسوب کردن تکواژهای «به‌هم‌پیوسته» همچون «یک تغییر» نیز کمک چندانی به افزایش دقت نمی‌کند زیرا باز، مثلاً، تغییر دادن دو وند یک‌هجایی در دو سوی لغتی یک‌هجایی «دو» تغییر شمرده خواهد شد، ولی کار سخت‌تر تبدیل یک مصرع کامل به مصرعی دیگر «یک» تغییر به حساب می‌آید، و قس علی هذا. بنابراین، متغیرهایی برگزیده شد که هم مستقیماً به فرضیات پژوهش (نک. ادامه) مرتبط باشد و هم کمترین نیاز را به تعبیر و تفسیر مشاهده‌گر داشته‌باشد، چنان‌که هر کس این پژوهش را تکرار کند به نتایجی کاملاً همانند (اگر نه صددرصد یکسان) دست یابد (نک. Shank & Brown, 2007: 27). بدین منظور سه متغیر اصلی تعریف و در هر دو دسته ابیات (نک. ادامه) شمرده‌شد.

#### متغیرها

۱. ابیات محذوف؛
۲. ابیاتی که نسخه قاهره در آن‌ها هیچ نسخه‌بدلی منحصر به خود نداشته‌باشد؛
۳. ابیاتی که در آن‌ها نسخه قاهره بخشی بازسروده و منحصر به خود، دست‌کم در حجم یک مصرع، داشته‌باشد.<sup>۲۳</sup>

۲۳. «یک یا چند بیت افزوده» را به حساب نیاوردیم؛ چون مشخص نبود که آیا سروده خود کاتب هستند یا از منبعی دیگر (شامل نسخه دیگری از شاهنامه) به دست‌نوشت او افزوده شده‌اند.

ابیات و مضامین به دو دسته «عادی» و «اعتقادی»<sup>۲۴</sup> تقسیم شد. ابتدائاً، مضامینی را که با نگاه شگاکانه فردی بدبین بتوان مغایر با دستورات و عقاید اسلامی تفسیر کرد «اعتقادی» نامیدیم. تمام نمونه‌های ابیات «اعتقادی» و «عادی» شمارش شد. فقط ابیات محذوف، نسخه‌بدل‌ها و بازسرای‌هایی را شمردیم که اختصاص به نسخه قاهره داشته باشد؛ مثلاً ابیاتی که در هر دو نسخه لندن و فری‌یر هستند ولی در نسخه قاهره نیستند ابیات محذوف به شمار آمدند و در نسخه‌بدل‌های منحصر به فرد و بازسرای‌ها نیز همین‌گونه عمل شد.

#### معیارهای تشخیص ابیات اعتقادی

- زمین‌بوس یا خاک‌بوس کردن در پیشگاه شاهان و پهلوانان؛
- آرزوی جادوانگی و بی‌مرگی برای اشخاص؛
- ادعای رستگاری، بی‌گناهی یا یکتاپرستی درباره شخصیت‌های پیش از اسلام؛
- هر گونه سنت، رفتار یا باور مذهبی غیراسلامی؛
- عقاید خرافی، شامل تقدیرگرایی، طالع‌بینی، جادو و طلسم؛
- مدح و تعظیم «گبران» و سرزمین ایشان؛
- رفتارهایی که شریعت ممنوع کرده، از جمله می‌نوشی، رقص، موسیقی، جشن‌های غیراسلامی، تماس جسمی مردان و زنان (توأم با احساسات عاشقانه یا بدون آن)، کاربرد طلا در پوشاک، تاج، سلاح و زره.

#### فرضیات

۱. در قیاس با دو نسخه دیگر، بیشتر احتمال دارد که کاتب قاهره ابیات اعتقادی را حذف کند.
۲. کاتب قاهره ابیات اعتقادی را کمتر از دو نسخه دیگر بدون تغییر باقی می‌گذارد، ولی نسبت این متغیر تابعی از متغیر پیشین خواهد بود (هر قدر احتمال حذف ابیات، یعنی

---

۲۴. این تأکید لازم است که بسیاری از این مضامین واقعاً غیراسلامی نیستند، از جمله، به این علت که شاعری مسلمان آن‌ها را سروده است. هدف شناخت ذهنیت کاتب قاهره است و نه حقیقت موجود در هر بیت.

تمایل کاتب به حذف ابیات - که ساده تر است -، بیشتر باشد، به همان نسبت ابیاتی را که نامناسب تشخیص دهد بیشتر حذف خواهد کرد تا این که تغییر دهد. در نتیجه، نسبت ابیاتی که بدون تغییر باقی می ماند بیشتر خواهد شد).

۳. در نسخه قاهره احتمال بازسرای با مضامین اعتقادی بیشتر از بازسرای ابیات عادی است.

### یافته‌ها

یافته‌های مربوط به متغیرها در چند جدول ارائه و درباره آن‌ها بحث خواهد شد.

	کلیّ ابیات	کلیّ ابیات محذوف	کلیّ ابیات اعتقادی	ابیات اعتقادی محذوف	کلّ ابیات عادی	ابیات عادی محذوف	ابیات باقی مانده
جلد ۱	1343	93	192	38	1151	55	1250
جلد ۵	606	48	121	18	485	30	558
کل	1949	141	313	56	1636	85	1808

جدول ۱: ابیات محذوف منحصر به نسخه قاهره

	کلیّ ابیات	کلیّ ابیات اعتقادی	ابیات اعتقادی دارای ضبط‌های منحصر به فرد	ابیات اعتقادی فاقد ضبط‌های منحصر به فرد	کلّ ابیات عادی	ابیات عادی دارای ضبط‌های منحصر به فرد	ابیات عادی فاقد ضبط‌های منحصر به فرد
جلد ۱	1250	154	34	120	1096	446	650
جلد ۵	558	103	73	30	455	291	164
کل	1808	257	107	150	1551	737	814

جدول ۲: ضبط‌های منحصر به فرد نسخه قاهره در ابیاتی با مضامین اعتقادی و مضامین عادی

ایبایات نوسروده اعتقادی	ایبایات نوسروده عادی	
جلد ۱ بیت ۵ (۲۲/۳۶/۱، ۲۶۴/۱۰۶/۱، ۲۶۹/۱۰۶/۱، ۱۷۶/۱/الحاقی ۲۴، ۱۷۷/۱/پانویس ۱۲، ۵۶۲/۲۰۲/۱)	بیت ۲ (۸۴۶/۱۴۱/۱، ۲۷۹/۱/الحاقی ۱۱۹)	
جلد ۵ بیت ۱ (۱۲۶۲/۱۹۵/۵)	بیت ۶ (۵۵۳/۱۲۷/۵، ۵۴۲/۴۱/۵، ۱۲۱۴/۱۹۲/۵، ۵۶۸/۱۲۹/۵، ۳۰۶/۲۴۶/۵، ۲۰۶/۲۳۷/۵)	
کل	بیت ۶	بیت ۸

جدول ۳: ایبایات بازسروده منحصر به فرد اعتقادی و عادی در نسخه قاهره

### بحث

۱. نتایج نشان می‌دهد احتوا بر مضامین اعتقادی، در محدوده مورد بررسی جلد نخست، احتمال حذف بی‌تی را در نسخه قاهره حدود ۴/۱۴ برابر بالا می‌برد. این نسبت در جلد پنجم کمتر است، ولی باز در محدوده بررسی حاضر، ایبایات اعتقادی ۲/۴۱ برابر بیش از ایبایات عادی در معرض حذف بر دست این کاتب است و در همین محدوده، ایبایات اعتقادی کلاً حدود ۳/۴۴ برابر بیش از ایبایات دیگر حذف شده است. در واقع، این ایبایات حدود ۱۶ درصد متن را در بر گرفته است، ولی حدود ۴۰ درصد حذفیات مربوط به آن‌هاست. از سوی دیگر، کاتب حدود ۱۸ درصد کل ایبایات اعتقادی را حذف می‌کند، ولی این نسبت در ایبایات عادی تنها به حدود ۵ درصد می‌رسد. در این بررسی، از هر ۳۴/۴۳۶ بیت شاهنامه یکی، به‌علت محتوایی که کاتب از دید ایدئولوژیک نامناسب تشخیص داده، حذف شده است. اگر این نسبت را به تمام شاهنامه تعمیم دهیم به عددی بالاتر از ۱۲۰۰ بیت می‌رسیم. گفتیم که پژوهشگران پیشین متوجه تعداد زیاد ایبایات افتاده از نسخه قاهره شده بودند. در بررسی حاضر علت این پدیده روشن شده است.

حساسیت کاتب قاهره را به این موضوع می‌توان حتی بیشتر از اعداد حاصل برآورد کرد، چراکه اولاً تمام ایبایاتی که ذیل عنوان «اعتقادی» آمده است واقعاً ضدیتی با اعتقادات اسلامی ندارد، ولی کاتب به مضامینی همچون رستگاری نامسلمانان و همنشینی «خوبی و بدی» با

«خدا» در یک بیت<sup>۲۵</sup> حسّاس است و از متن خود حذفشان می‌کند. ثانیاً، بخش بزرگی از ابیات «عادی» محذوف را ابیاتی تشکیل می‌دهند که به اشتباه حذف شده‌اند، به خصوص زمانی که دو بیت متوالی (احتمالاً یک سطر از نسخه اساس) با هم از متن افتاده‌اند. چنین اتفاقی در ابیات عادی بسیار بیشتر افتاده است و مطالعات بعدی می‌تواند ابعاد آن را روشن کند و احیاناً با کنار گذاشتن حذفیات سهوی، نسبتی به دست بیاورد که قاعدتاً عددی بزرگ‌تر از حاصل این مطالعه خواهد بود.

برخی از ابیات محذوف نسخه قاهره را در زیر ذکر می‌کنیم تا بتوان برآوردی از مضامینی داشت که کاتب قاهره به آن‌ها حسّاس است:

از جلد یکم

تو این را دروغ و فسانه مدان	بیکسان روشن زمانه مدان
ازو هرچ اندر خورد با خرد	دگر برره رمز معنی برد
(۱۱۴-۱۱۳/۱۲/۱)	
بدانست شاه گرانمایه زود	کز آمیختن رنگ نایدش سود
(۱۸۸/۱۰/۱)	
دلیر و جوان و هشیوار بود	بگیتی جز او را نباید ستود
(۲۵۸/۱۰۶/۱)	
پس از آفریننده بیزار شو	کی در تنت هر روز رنگیست نو
(۱۱۲/۱۶۹/۱)	
جهان آفرین بشنود گفت من	مگر آشکارا شوی جفت من
(۵۴۸/۲۰/۱)	
چه کهتر چه مهتر چو شد جفت جوی	سوی دین و آئین نهادست روی
بدین در خردمند را جنگ نیست	که هم راه دینست و هم ننگ نیست
(۵۹۲-۵۹۱/۲۰۳/۱)	

۲۵. در بسیاری از این موارد، مانند نمونه‌هایی که پیش‌تر نقل شد، مضمون عبارت در واقع تضادی با باورهای اسلامی ندارد.



بوسیدم این پایه تخت عاج      دلم گشت روشن بدین برز و تاج  
(۱۲۸۶/۲۵۳/۱)

در یک مورد از دو بیت که در نسخ لندن و فری‌یر موجود است و از دیگر نسخ خالقی مطلق، فقط پ (پاریس ۸۴۴) آن‌ها را دارد<sup>۲۶</sup>، کاتب قاهره اولی را نامناسب تشخیص داده و انداخته است:

جهان بوستان کرد از خرّمی      بهشت برین کرد روی زمی  
بهار نو آورد در بوستان      که شادان شدند از دوستان  
(قس. ۱/۲۵۸/۱۰ پانویس ۱۴)

و از جلد پنجم  
همان هیربد نیز یزدان پرست      که بودند با زند و استا بدست  
(۱۲۴۶/۱۹۴/۵)

ز کین یاز دین گر نجنبی ز جای      نباشی پسندیده رهنمای  
(۱۲۵۰/۱۹۴/۵)

که بی فرّه اورنگ شاهی مباد      بزرگی و رسم سپاهی مباد  
(۹۵/۲۲۸/۵)

بـداد آفریننده داد و راد      مرا پاک جام و پرستنده داد  
(۲۱۵/۲۳۸/۵)

همان اورمزدی مه و روز مهر      بشوید بآب خرد روی چهر  
(۳۷۸/۵۵۹/۵)

۲. در این مطالعه معلوم شد که کاتب در جلد پنجم بیشتر از جلد نخست ابیات اعتقادی را تغییر می‌دهد و کمتر از ابیات مشابه جلد نخست آنها را حذف می‌کند. مشخص

---

۲۶. نسخه پاریس ۸۴۴ مادر نسخه‌ای مشترک با نسخه سن پترزبورگ ۷۳۳ («لن» تصحیح خالقی مطلق) دارد، ولی کاتب فاضل آن نسخه‌ای دیگر را که با لندن و قاهره و فری‌یر خویشاوندی نزدیک داشته است نیز در دست داشته و به همین علت شباهت‌های موردی آن با این نسخه‌ها اهمیت دارد. نگارنده مشغول پژوهشی در این مورد است.

است که کاتب در بخش‌های مختلفِ متن یکی از دو رویکرد «حذف» یا «تغییر» را برگزیده است. از آنجا که عمده بررسی جلد پنجم محدود به گشتاسپ‌نامهٔ دقیقی بوده، ظاهراً محتوای کلی ابیات نیز بر رویکرد کاتب قاهره در قبال آن‌ها تأثیر گذاشته است. وقتی محتوای کلی داستان مذهبی است و حذف سخت است، کاتب بیشتر آنها را تغییر می‌دهد. در حقیقت، در گشتاسپ‌نامه، کاتب قاهره حدوداً ۸۰ درصد ابیات را شخصاً حذف کرده یا تغییر داده است: وضعیتی که در دو نسخهٔ خویشاوند دیگر آن دیده نمی‌شود! ابیاتی که کاتب به این علت در آن‌ها دست می‌برد باید جداگانه و از نظر انواع تغییرات بررسی شود تا انگیزه‌های ادبی و اعتقادی او از هم تفکیک گردد؛ مثلاً تبدیل «جهانا مپروور چو خواهی درود» به «جهانرا مپروور چو خواهی درود» (۴۷/۳۷/۱) شاید ابتدا تنها الحاق یک «ر» به نظر برسد، ولی تفاوتی اساسی در معنای مصرع پدید آورده است. کاتب قاهره از این تغییرات، در ابیاتی که شاید گستاخانه و کفرآمیز تعبیرشان می‌کند، فراوان دارد. مطالعات بعدی می‌تواند با تمرکز بر ابیات اعتقادی، انگیزه‌ها و نحوهٔ دستکاری‌های این کاتب را بیشتر روشن کند.

۳. نتایج مطالعهٔ ما نشان می‌دهد که تمایل کاتب قاهره به بازسازی ابیات هم‌سو با تمایل او به حذف این ابیات است. این کاتب در «کل» محدودهٔ بررسی، تمایل بیشتری به بازسازی مصرع‌های اعتقادی شاهنامه دارد، ولی این وضع در گشتاسپ‌نامهٔ دقیقی برعکس است. البته کاتب کلاً چندان اهل بازسازی نیست و تعداد کل این ابیات، اعم از اعتقادی و عادی، کمتر از یک درصد کل متن است. نمونه‌ای از این بازسازی‌ها وقتی است که در بیت:

نخست آفرین جهاندار کرد      دل موبد از خواب بیدار کرد

مصرع دوم را به «کی او را بهر کار بیدار کرد» تبدیل می‌کند (فس. ۵۶۲/۲۰۲/۱) تا مضمون آن، حتی به صورت ضمنی هم، به نفی غفلت موبدان اشاره‌ای نداشته باشد. در جلد پنجم نیز بیت:

نیاید پسند جهان‌آفرین      که تو دل بیچی ز داد و ز دین

قس. ۱۲۶۲/۱۹۵/۵) را به «نیاید جهان‌آفرین را پسند / کی تو دل بیچی ز درد و گزند» تبدیل کرده‌است و با این کار از این که «برگشتن اسفندیار از دین» - که متضمن «در مسیر داد و دین بودن او» است - حتی در قالب «احتمالی که به وقوع نمی‌پیوندد» هم مطرح شود پیشگیری کرده و نمونه‌های دیگر نیز از همین جنس است.

۴. متأسفانه نگارنده به برگ‌های کمی از نسخه فری‌پر متناظر با جلد پنجم دسترس داشت. از آن‌جا که ابیات اعتقادی درصد کمی از کل ابیات را، و ابیات محذوف و تغییر یافته خود درصدی از این ابیات را تشکیل می‌دهد، تعمیم یافته‌های این جلد به کل شاهنامه باید با احتیاط بیشتری صورت گیرد. به‌خصوص در مصرع‌ها و ابیات نوسروده تعمیم این یافته‌ها دقت چندانی نخواهد داشت. با در دست داشتن صفحات بیشتری از نسخه فری‌پر می‌توان دقت تخمین‌ها را بالا برد.<sup>۲۷</sup>

۵. یافته‌های این مطالعه ممکن است با یک احتمال زیر سؤال برود و آن هم دست‌خوردگی جانبی و عرضی (Horizontal Contamination) نسخه قاهره یا مادر نسخه آن و آمیخته شدنشان با ضبط‌های نسخه‌ای دیگر است. البته اگر چنین چیزی روزی معلوم شود، باز در اصل قضیه - که دستکاری متن شاهنامه به علل اعتقادی است - تغییری حاصل نمی‌شود، الا این‌که فرد دیگری مسئول آن خواهد بود و نه کاتب قاهره. در محدوده نسخه‌هایی که برای ما باقی مانده، برای ارزیابی احتمال ماهیت التقاطی و وارداتی حذفیات و تغییرات پیش‌گفته، تمام مواردی که از میان سه نسخه مورد بررسی، اختصاص به نسخه قاهره داشت، با زیرنویس‌های تصحیح خالق مطلق مقابله شد. این مقابله نشان داد که تمام مصاریع نوسروده مختص نسخه قاهره است و ضمناً نسخه قاهره نخستین نسخه‌ای است که ابیات اعتقادی را حذف کرده‌است و در هیچ یک از نسخ مقدم بر آن

---

۲۷. نگارنده برای اطمینان از حاصل بررسی، نتایج این مطالعه را با متغیرهای آماری متعددی بررسی کرد و دریافت تنها در ابیات افزوده جلد پنجم با بازه اطمینان (Confidence Interval) ۹۵ درصد یا بیشتر، ممکن است حاصل مطالعه در کل شاهنامه متفاوت باشد، بنابراین تعمیم سایر یافته‌ها به کل شاهنامه دست‌کم با این اطمینان شدنی است.

(فلورانس ۶۱۴، استانبول ۷۳۱ و سن پترزبورگ/لنینگراد ۷۳۳) این حذفیات را نمی‌توان یافت، اگرچه تعداد معدودی از آن‌ها در نسخه‌های تازه‌تر دیده شده که باید در بررسی دیگری معلوم شود که آیا این حذف‌ها تحت تأثیر نسخه قاهره بوده، یا انگیزه مشابهی کاتبان دیگر را به حذف ابیات اعتقادی واداشته است. در ضبط‌های منفرد، چیزی کمتر از ۲۰ مورد بین نسخ قاهره و استانبول مشترک است که در بیش از ۱۰۰۰ ضبط اهمیتی ندارد و حدود ۵ درصد نیز اشتراک بین قاهره و فلورانس هست که با درصدی بسیار نزدیک به تساوی بین ابیات عادی و اعتقادی توزیع شده است.<sup>۲۸</sup> جز این، تقریباً تمام این اشتراکات را تصحیف‌ها و بدخوانی‌ها یا موارد کم‌اهمیت تشکیل می‌دهد (در واقع بیش از نیمی از این اشتراکات تبدیل «برین» به «بذین» است). بنابراین، می‌توان گفت که کاتب قاهره مسئول این تغییرات ایدئولوژیک است، ولی البته احتمال تأثیرپذیری او را از نسخه‌ای که به دست ما رسیده است نمی‌توان به‌تمامی رد کرد.

۶. تمایل به نزدیک کردن عقاید اسلامی و حماسه ملی ایرانیان به یکدیگر در بین صوفیان سابقه دارد. طبق حکایتی صوفیانه (هزار حکایت صوفیان، ۱۳۸۲: گ ۱۴۷) ابن عباس، پسرعموی پیامبر و مفسر برجسته قرآن، «برای پارسیان» داستان‌های شاهنامه و ازقضا همان داستان «رستم و اسفندیار» را تعریف می‌کند که روزی نصر بن حارث در تعارض با قرآن تعریف می‌کرد (ابن‌هشام، ۱۹۹۰: ۳۲۸). دوستاران شاهنامه، همچنین، بیتی از شاهنامه را خلاصه چهل سال وعظ پیری درویش قلم می‌دهند (وراوینی، ۱۳۵۵: ۱۴۲) و مکرراً از رستگار شدن فردوسی از «گناه» سرودن قصه‌های مغان و گبران به‌واسطه یک یا دو بیتی می‌گویند که «در توحید» سروده است (عطار، ۱۳۸۶: ۲۲۹-۲۳۰؛ خوشفی، ۱۳۸۲: ۶۵؛ مستوفی، ۱۳۸۱: ۶۶۱؛ قس. ریاحی، ۱۳۸۲: ۱۸۱، ۲۱۴، ۳۷۷، ۳۷۸) و کتابی نیز فراهم آورده‌اند که سخنان امام علی<sup>(ع)</sup> با ابیات فردوسی در آن جمع است (مستوفی، ۱۳۴۷). در تمام این موارد، هدف جمع‌آوردن اسلام با ایران/شاهنامه در یک

۲۸. البته «تعداد» ضبط‌های مشترک در ابیات عادی بیش از پنج برابر ابیات اعتقادی است، ولی درصد تقریباً یکسان است.

مجموعه است. انگیزه ایشان شاید متفاوت می‌بوده‌است، ولی عملکرد مشترکی را می‌توان در قرن‌های ششم تا هشتم به‌کرات، به‌خصوص در میان صوفیان دید. عجیب نیست اگر تصوّر کنیم، در مورد نسخه قاهره نیز، کاتبی صوفی خواسته‌باشد آنچه را صوفیان «ادّعا» کرده‌اند در متن شاهنامه «ایجاد» کند. بررسی دقیق رویکرد صوفیان به شاهنامه خود می‌تواند موضوع مطالعه‌ای مستقل باشد.

### نتیجه

دستکاری ایدئولوژیک در دست‌نوشته‌های فارسی تا حال تنها در دو - سه مطالعه چاپ‌شده و فقط در مضامین محلّ اختلاف شیعه و سنی بررسی شده‌است. نتایج بررسی حاضر نشان می‌دهد که این موضوع را می‌توان بیشتر و در موضوعات گسترده‌تری کاوید و برای آن شواهد بیشتری یافت. این بررسی نشان داد که کاتب نسخه کهن قاهره (مورخ ۷۴۱ق) نوه یک روحانی و صوفی بزرگ و فرزند عالم صوفی دیگری است. چنین به نظر می‌رسد که او جزء گروهی از صوفیان است که در فاصله قرن ششم تا هشتم می‌کوشیده‌اند شاهنامه و اسلام را حتی الامکان به یکدیگر نزدیک کنند. این کاتب متن شاهنامه را بسیار دستکاری کرده‌است. او این کار را نه با برنامه‌ای نظام‌مند، بلکه با تصمیمات لحظه‌ای حین کتابت انجام می‌دهد و در نتیجه، در قبال مضامین مشابه همیشه یکسان رفتار نمی‌کند. به همین علت، جز با تحلیل آماری نمی‌توان از جهت‌گیری او مطمئن شد. تحلیل آماری نشان می‌دهد که این کاتب به دسته وسیعی از مضامین که با نگاهی شکاکانه در تقابل با تعالیم دینی قرار می‌گیرند، حساس بوده و در مواجهه با آنها، کمتر سعی کرده تغییرشان بدهد و در عوض بسیار بیشتر از ابیات دیگر اقدام به حذفشان می‌کرده‌است. در بخش گشتاسپ‌نامه دقیقی، گرچه همچنان درصد ابیات اعتقادی محذوف بیش از ابیات عادی محذوف است، نسبت حذف ابیات در قیاس با ابیات اعتقادی بخش‌های دیگر کمتر و در عوض میزان دستکاری این ابیات بیشتر می‌شود، احتمالاً به این علت که این ابیات اجزای مهم‌تری از داستان هستند و حذفشان دشوارتر است. در موارد معدودی نیز کاتب کوشیده‌است مصرعی را

بازسرایی کند و احتمال بازسرایی ابیات نیز هم‌سو با احتمال حذف آن‌ها افزایش یا کاهش می‌یابد.

این مطالعه می‌تواند آغازی باشد برای بررسی منظومه‌ها و نسخه‌های مختلف، به‌خصوص آن‌هایی که ریشه در دوران پیش از اسلام دارند. این نوع پژوهش‌ها می‌تواند در آینده منجر به شناخت بیشتر فرهنگ کاتبان و تاریخ متنی منظومه‌های فارسی شود. با در دست داشتن نسخه‌های بیشتر و اوراق بیشتری از نسخ پراکنده، می‌توان مطالعات جامع‌تری کرد و رفتار کاتبان را در بخش‌های مختلف شاهنامه و در قبال تک‌تک مضامین اعتقادی دقیق‌تر بررسی کرد.

### منابع

- ابن هشام، عبدالملک (۱۹۹۰). السیرة التبویة. محقق: عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دار الکتب العربی.
- افشار، ایرج (۱۳۸۲). «معرفی مندرجات سی نسخه خطی». میراث شهاب، ش ۳۲: ۴۷-۵۴.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸۴). پیشگفتار به فردوسی (۱۳۸۴).
- ایرج میرزا (۱۳۵۶ [= ۲۵۳۶]). دیوان کامل ایرج میرزا. به اهتمام محمدجعفر محجوب. تهران: گلشن.
- جوکار، نجف (۱۳۹۰). مقدمه به کیشی.
- جهانبخش، جويا (۱۳۷۸). «ربیع رشیدی: مجالی فراخ برای کتاب‌ورزی». آینه میراث: ش ۵-۶: ۲۵-۳۷.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۳). «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه (۱)». ایران‌نامه، ش ۹: ۲۶-۵۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۴). «معرفی و ارزیابی برخی دستنویسهای شاهنامه». ایران‌نامه، ش ۱۱: ۳۷۸-۴۰۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹). ضمیمه دفتر یکم شاهنامه. تهران: روزبهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). «روش نوینی در نقد». ایران‌شناسی، ش ۱۴: ۳۴۶-۳۵۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). «افتادگی‌ها و افزودگی‌های آماری شش دستنویس شاهنامه». نامه بهارستان، ش ۱۱-۱۲: ۲۴۳-۲۵۴.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). «بررسی و ارزیابی دستنویس شاهنامه فلورانس (کتابخانه ملی فلورانس، ش 24 III IC)». نامه بهارستان، ش ۱۹-۱۸: ۲۰۷-۲۵۰.
- \_\_\_\_\_ خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۲). «کاتب خوش ذوق و دردسر مصحح: درباره کهن ترین دستنویس کامل شاهنامه». نشر دانش، دوره ۲۰، ش ۳: ۱۸-۲۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ الف). «چاپ عکسی کهن ترین نسخه کامل شاهنامه». نامه فرهنگستان، ش ۳۱: ۱۳۲-۱۳۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ ب). «درباره بیت‌های عرب‌ستیزانه شاهنامه». در: برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۱۱): درباره شاهنامه، تهران، نشر دانش: ۹۶-۱۱۰.
- \_\_\_\_\_ خوشفی، ابن حسام (۱۳۸۲). تازیان نامه پارسی: خلاصه خاوران‌نامه. به تصحیح حمیدالله مرادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- \_\_\_\_\_ دماوندی، مجتبی و سیاوش خوشدل (۱۳۹۶). «پژوهشی در اشعار فارسی تقریظات مجموعه رشیدیّه». آینه میراث، ش ۶۰: ۲۸۱-۳۰۸.
- \_\_\_\_\_ ریاحی، محمدمین (۱۳۸۲). سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ شاپوران، علی (۱۳۹۶ الف). «جست‌وجویی در برخی نسخه‌ها و کاتبان شاهنامه (و پیشنهادهایی در نسخه‌شناسی)». در: سرو رشید (یادنامه رشید یاسمی). گردآورندگان: احمدرضا رحیمی زنگنه و سهیل یاری گل‌دژه. کرمانشاه، دانشگاه رازی: ۵۷۶-۵۵۱.
- \_\_\_\_\_ شاپوران، علی (۱۳۸۶ ب). «یکسانی ضبط‌های دو نسخه از شاهنامه و نتایج حاصل از آن». گزارش میراث، ش ۷۷-۷۶: ۳۲-۴۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹). «معرفی و ارزیابی مقدماتی هفت نسخه شاهنامه مقدم بر نیمه دوم سده هشتم». گزارش میراث، ش ۸۳-۸۲: ۸۶-۱۰۰.
- \_\_\_\_\_ شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳). «نقش ایدئولوژیک نسخه‌بدل‌ها». نامه بهارستان، ش ۱۰-۹: ۹۳-۱۱۰.
- \_\_\_\_\_ عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۶). اسرارنامه. به تصحیح محمدرضا شفیع کدکنی. تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ عمادی حائری، سیدمحمد (۱۳۸۴). «عزالدین عبدالعزیز کاشی: شناسایی، کتاب‌شناسی، نسخه‌جویی». نسخه‌پژوهی، ش ۲: ۳۸۱-۳۹۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). شاهنامه. چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا به شماره Add.21103 معروف به نسخه لندن، به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار. تهران: طلایه.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق (با همکاری محمود امیدسالار و الوافضل خطیبی)، ۸ ج. تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- \_\_\_\_\_ قزوینی، محمد و عباس اقبال (۱۳۲۴). «احوال بزرگان: شمس‌الدین محمد کیشی». یادگار، ش ۱۲: ۵۹-۷۰.
- \_\_\_\_\_ کیشی، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۰). مجموعه آثار شمس‌الدین محمد کیشی، به تصحیح نجف جوکار. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
- \_\_\_\_\_ محبوب، محمدجعفر (۱۳۵۶ [= ۲۵۳۶]). پیشگفتار ← ایرج میرزا.
- \_\_\_\_\_ مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). نزهة القلوب (مقاله سوم). به تصحیح و تحشیه سید محمد دبیرسیاقی. قزوین: حدیث امروز.
- \_\_\_\_\_ مستوفی، یوسف بن علی (۱۳۴۷). خردنامه. به تصحیح و کوشش ادیب برومند. تهران: داورپناه.
- \_\_\_\_\_ مهران، فرهاد (۱۳۸۷). «بررسی اطلاعات آماری افتادگی‌ها و افزودگی‌های شش دستنویس شاهنامه در مقاله جلال خالقی مطلق». نامه بهارستان، ش ۱۹-۱۸: ۲۹-۳۴.
- \_\_\_\_\_ نفیسی، سعید (۱۳۱۳). «شمس‌الدین کیشی». ارمغان، ش ۱۶۰: ۴۰۸-۴۱۳.
- \_\_\_\_\_ نوریان، سیدمحمد، غلامحسین شریفی و مرتضی رشیدی آشجودی (۱۳۸۶). «باغ نظر و رامش دل (معرفی سفینه‌ای بی‌مانند از قرن هفتم)». پژوهش‌های عرفانی، ش ۳: ۲۷-۶۲.
- \_\_\_\_\_ هزار حکایت صوفیان (۱۳۸۲). چاپ عکسی نسخه مورخ ۸۸۳ق. تهران: طلایه.
- \_\_\_\_\_ وراوینی، سعدالدین (۱۳۵۵). مرزبان‌نامه. با مقابله و تصحیح و تحشیه محمد روشن. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

#### منابع خطی

- \_\_\_\_\_ ارموی، صفی‌الدین. الرسالة الشریقیة. نسخه ش ۱۵۵۶ کتابخانه ملی ایران.
- \_\_\_\_\_ فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه. نسخه استانبول: خزینه ۱۴۷۹ (H. 1479) کتابخانه موزه سرای طوقاپو.
- \_\_\_\_\_ . شاهنامه. نسخه سن پترزبورگ: ش 329 Dorn کتابخانه ملی روسیه.
- \_\_\_\_\_ . شاهنامه. نسخه فری‌یر: موزه اسمیتسونین واشنگتن دی سی، نگارخانه فری‌یر، نسخ شماره F.1929.26 تا F.1929.36، F.1929.46 و F.1930.1 تا F.1930.7 و lot 31 Sotheby & G. (← Sotheby & G.)
- \_\_\_\_\_ . شاهنامه. نسخه فلورانس: نسخه شماره III 24 IC کتابخانه ملی فلورانس.
- \_\_\_\_\_ . شاهنامه. نسخه قاهره: نسخه شماره ۶۰۰۶ دار الکتب المصریة (میکروفیلم قا، کتابخانه مینوی).



\_\_\_\_\_ . شاهنامه. نسخه لندن: نسخه شماره Add.21103 کتابخانه بریتانیا ← فردوسی (۱۳۸۴).

– کاشانی، عزالدین عبدالعزیز. روضة الناظر و نزهة الخاطر. نسخه شماره F 766 کتابخانه دانشگاه استانبول (میکروفیلم ۲۴۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).

- Blair, S. S. (2006). "Calligraphers, Illuminators and Painters in the Ilkhanid Scriptorium", in Komaroff, L. (ed.): *Beyond the Legacy of Genghis Khan*, Leiden and Boston, Brill: 165-182.
- Buchholz, M. (2000). "The politics of transcription", *Journal of pragmatics*, 32: 1439-1465.
- Fairclough, N. (2003) *Analysing Discourse: textual analysis for social research*, London: Routledge.
- van Gorder, A.C. (2010). *Christianity in Persia and the Status of Non-Muslims in Iran*, Plymouth: Lexington Books.
- Herrag, H. (2012). *The ideological factor in the translation of sensitive issues from the Quran into English, Spanish and Catalan*. Doctoral thesis, Departament de Traducció i d'Interpretació, Universitat Autònoma de Barcelona.
- Simpson, M. S. (1979). *The Illustration of an Epic: The Earliest Shahnama Manuscripts*, New York and London: Garland Publishing.
- ——— (1982). "The Pattern of Early Shahnama Illustration", *Studia Artium Orientalis et Occidentalis* 1: 43-53.
- Sotheby & G. (1969). *Highly Important Oriental Manuscripts and Miniatures, Sales Catalogue, 7<sup>th</sup> December 1969, Lot 31*.
- Williams, M. and May, T. (1998). *Knowing the Social World*, Buckingham: Open University Press
- Wright, E. (2017). "Firdausi and More: A Timurid Anthology of Epic Tales" in Hillenbrand, R. (ed.): *Shahnama: The Visual Language of the Persian Book of Kings*, London and New York, Routledge: 65-83.